

پانزده مدرسه ناشناخته در خراسان (سده‌های چهارم تا ششم هجری)^۱

دکتر قربانعلی اسماعیلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
Amiresmaili 2000@yahoo.com

چکیده

ضرورت فراگیری اسلام توسط تازه مسلمانان ایرانی منجر به پیدایش نهادهایی آموزشی مانند مسجد، کتاب و مدرسه گردید. نخستین مدارس شناخته شده در شهرهای خراسان و ماوراءالنهر که در فاصله سده‌های چهارم تا ششم هجری پیوستگی فرهنگی غیر قابل انکاری با هم داشتند، پدید آمدند. با توجه به اهمیت «مدرسه» به‌عنوان کانون آموزش عالی در تمدن اسلامی، تحقیقات متعددی پیرامون آن صورت گرفته است. گرچه در این آثار بسیاری از مدارس خراسان معرفی شده اند، اما برخی از آنها نیز به دلایل مختلف از قلم افتاده است. در این مقاله پس از مروری گذرا بر نام مدارس موجود در شهرهای خراسان و ماوراءالنهر بر اساس منابع و مآخذ، ۱۵ مدرسه دیگر از خراسان در دوره مذکور معرفی شده و افزون بر این، شمار مدارس شهرهای خراسان و ماوراءالنهر با استفاده از جداول و نمودارها مقایسه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ آموزش در اسلام، مدرسه، خراسان، ماوراءالنهر، نیشابور.

مقدمه

به دنبال فتوحات مسلمانان در شرق، شمال و شمال غربی شبه جزیره عربستان، به تدریج طی چند قرن ساکنان نواحی فتح شده اعم از ایران، شام، مصر و دیگر متصرفات مسلمانان، اسلام را پذیرفتند. این رویکرد متضمن فراگیری اصول اعتقادات اسلامی، فروع دین و کتاب آسمانی دین جدید (قرآن کریم) بود. نیاز به آموختن مسائل دینی اسلام باعث شد تا ابتدا با الگو گرفتن از نخستین شهرهای اسلامی آن روزگار مدینه، مکه، مصر، کوفه و جز اینها تعلیم و تعلم در مساجد شکل گیرد. مساجدی که برای برپایی نماز و عبادت ساخته شده بودند، در طول این

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۱۱/۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۲/۲۲.

قرون کانون آموزش در جوامع اسلامی محسوب می‌شدند و در کنار آن مراکز دیگری مانند کتاب (مکتبخانه)، مدرسه، بیت الحکمه، دارالعلم، کتابخانه، بیمارستان، خانقاه، زاویه، رباط، دارالحدیث، دارالقرآن، کاخها و خانه‌های شخصی نیز به این مهم می‌پرداختند.

با پایان یافتن قرن سوم هجری به تدریج در کنار مساجد و به موازات آنها نهاد دیگری برای آموزش عالی در شمال شرق ایران - در خراسان و ماوراءالنهر- پدید آمد که تحت عنوان «مدرسه» شهرت یافت. پیدایش مدارس در این منطقه از تحولات بی‌سابقه در تعلیم و تربیت در جهان اسلام بود. مدرسه پدیده‌ای بود که پس از پیدایش از نظر آموزشی مسجد را تحت‌الشعاع قرار داد و به کانون آموزش عالی در جهان اسلام تبدیل شد و از آنجا که نخستین مدارس در خراسان و ماوراءالنهر تأسیس شده بود^۱، مدارس خراسان الگویی برای تأسیس مراکز آموزشی مشابهی در دیگر نقاط جهان اسلام گردید.

به دلیل اهمیت مدرسه در تاریخ آموزش اسلام و ایران پژوهش‌های متعدّد و سودمندی توسط محققان ایرانی و خارجی درباره آن صورت گرفته و یا در تحقیقاتی که به موضوعات کلی‌تری در مورد تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام انجام شده، به مدارس نیز پرداخته شده است. در این مقاله ضمن برشمردن مدارس شهرهای خراسان، پانزده مدرسه دیگر از مدارس خراسان و ماوراءالنهر که در تحقیقات پیشین نامی از آنها به میان نیامده است به اختصار معرفی شده و شهرهای مهم این منطقه از نظر شمار مدارس، مقایسه گردیده است. دلیل افزودن مدارس ماوراءالنهر به این مبحث پیوستگی جدایی‌ناپذیر فرهنگی میان این منطقه و خراسان، به ویژه در دوره مورد بحث است.

اشارات منابع به دانشمندی که از خراسان برخاسته‌اند و یا اطلاعاتی که در معرفی برخی از بانیان مدارس در شهرها^۲ و روستاهای بزرگ خراسان در سده‌های چهارم تا هفتم ارائه کرده‌اند، بر کثرت و پراکندگی مدارس دلالت می‌کند، اما متأسفانه نام همه این مراکز آموزشی و فرهنگی در منابع نیامده و از بانیان و مدرّسان آنها نیز یاد نشده است. بنابر این آنچه در منابع تاریخی ذکر شده در واقع نمونه‌هایی از پدیده گسترده‌ای است که اخبار کاملی از آن در دست نیست و فقط در ضمن توصیفات یا اشاراتی که مورّخان یا صاحبان معاجم و طبقات به زندگی دانشمندان و رجال داشته‌اند، می‌توان به مطالب جسته و گریخته‌ای درباره آن دست یافت.

۱. ابن فندق، ۱۷۲-۱۵۸ و نرشخی، ۷۸-۷۷.

۲. سبکی، ۱۳۷.

مدارس خراسان و ماوراءالنهر

در پژوهش‌هایی که تاکنون در باب مدارس خراسان و ماوراءالنهر انجام یافته، از ۱۰۴ مدرسه در ۱۷ شهر نسبتاً مشهور این دو منطقه بزرگ، به شرح زیر یاد شده است:^۱

بخارا: مدرسه کالارتکین^۲، مدرسه ارسلان خان^۳، مدرسه مقتدائیه^۴، مدرسه صدرجهان^۵.
بُست: مدرسه ابوحاتم بُستی^۶.
بلخ: مدرسه نظامیه بلخ^۷.
پوشنگ: مدرسه ابن غاضره اسدی^۸.
جوین: مدرسه جوینی^۹.
خوارزم: مدرسه نسوی^{۱۰}، مدرسه خوارزمشاه^{۱۱}، مدرسه شافعیّه (مدرسه مسعودبن علی)^{۱۲}،
مدرسه خوارزم^{۱۳}، مدرسه جدید خوارزم^{۱۴}.
خواف: مدرسه نظامیه خرگرد خواف^{۱۵}.
سبزوار (بیهق): مدرسه سردیه، مدرسه کوی ستیار، مدرسه میان بازار^{۱۶}، مدارس خواجه

۱. هر چند نام این مدارس در تحقیقات آمده است، ولی ما با مراجعه به منابع و مآخذ معتبر آنها را ذکر می‌کنیم.
۲. نرشخی، ۴۲ و ۴۱.
۳. همو، ۴۲-۴۱.
۴. معروف، ۱۱۵.
۵. همو، ۱۱۶.
۶. یاقوت حموی، ۴۱۸/۱ و سمعانی، *الانساب*، ۱/۳۴۸.
۷. ذهبی، ۳۶۷/۱۸ و ابن بطوطه، ۳۸۷.
۸. معروف، ۵.
۹. همو، ۱۲۵.
۱۰. سیوطی، ۱۷۵/۱، ۱۰۸ و ۱۳۰/۲-۱۲۹.
۱۱. ذهبی، ۳۳۳/۲۱؛ ابن کثیر ۲۳/۱۳؛ ابن اثیر، ۱۰/۲۲۶.
۱۲. عبد الغافر الفارسی، ۲۰۰.
۱۳. معروف، ۱۲۲.
۱۴. همو، ۱۲۳.
۱۵. گدار، ۴۱۴.
۱۶. ابن فندق، ۲۰۷.

ابوالقاسم^۱، مدرسه دروازه عراق^۲، مدرسه فخریه^۳.
 سرخس: مدرسه سره مرد^۴، مدرسه عیاضی^۵، مدرسه زیادی^۶.
 سمرقند: مدرسه قثم بن عباس^۷، مدرسه رأس سکه عمور^۸، مدرسه دارجوزجانیه^۹.
 طوس: مدرسه غزالی^{۱۰}، مدرسه طایران^{۱۱}، مدرسه ابو علی عراقی^{۱۲}، مدرسه نظامیه طوس^{۱۳}،
 مدرسه‌ای که ابو حامد غزالی و برادرش در آن علم آموختند^{۱۴}.
 غزنین: مدرسه دربستان^{۱۵}، مدرسه سلطان محمود غزنوی^{۱۶}، مدرسه خواجه امیرک^{۱۷}.
 کش: مدرسه کش^{۱۸}.
 مرو الرود: مدرسه منیعی^{۱۹}.

مرو(شاهجان): مدرسه قاضی شهید (ابوبکر ارسابندی)^{۲۰}، مدرسه نظامیه مرو^{۲۱}، مدرسه شرف

۱. همو، ۱۹۴.

۲. همو، ۲۴۳-۲۴۲.

۳. سلطان زاده، ۱۰۱.

۴. سمعانی، الانساب، ۹۶/۲؛ سبکی، ۳۵۹/۶.

۵. معروف، ۹۸.

۶. همو، ۱۱۳ و ۱۱۲.

۷. معروف، ۵؛ سمعانی، الانساب، ۷۳/۵.

۸. همو، ۳۴۸/۲.

۹. معروف، ۹۷.

۱۰. سبکی، ۲۰۰/۶.

۱۱. سلطان زاده، ۱۰۲.

۱۲. حسن دوست، ۳۹.

۱۳. ابن کثیر، طبقات الفقهاء الشافعیین، ۴۷۸/۲.

۱۴. سبکی، ۹۱/۴؛ نامی برای مدرسه ذکر نشده است.

۱۵. ابن فندق، ۲۵۰.

۱۶. جرفاذقانی، ۳۷۳/۴؛ ابن خلدون، ۳۷۳/۴.

۱۷. ابن فندق، ۱۲۰.

۱۸. سمعانی، الانساب، ۳۰۵/۳.

۱۹. سبکی، ۴۰۱/۵ و ۲۲/۶.

۲۰. معروف، ۱۱۱.

۲۱. همو، ۶۱ و کسائی، مدارس نظامیه، ۲۴۱.

الملک^۱، مدرسه عمیدیّه (مدرسه آل سمعان)^۲، مدرسه خازنیّه (مدرسه مستوفی)^۳، مدرسه تمیمیّه^۴، مدرسه خاقانیّه^۵، مدرسه خاتونیّه^۶.
نیشابور: مدرسه دارالسنه^۷، مدرسه بیهقیّه^۸، مدرسه استاد ابوالولید^۹، مدرسه ابن فورک^{۱۰}، مدرسه سعیدیّه (سعیدیّه)^{۱۱}، مدرسه مبارکه^{۱۲}، مدرسه ابوعلی حسینی^{۱۳}، مدرسه حسن بن داود سمرقندی^{۱۴}، مدرسه نیشابوری^{۱۵}، مدرسه صابونی^{۱۶}، مدرسه ابوسعید زاهد (مدرسه خرگوشی)^{۱۷}، مدرسه ابواسحاق اسفراینی^{۱۸}، مدرسه ابوصادق خفاف^{۱۹}، مدرسه احمد بن محمد بستی^{۲۰}، مدرسه حسین بیهقی^{۲۱}، مدرسه ابوعلی دقاق (مدرسه قشیریّه)^{۲۲}، مدرسه بازار سراجان^{۲۳}، مدرسه ابوسعید

۱. ابن کثیر ۱۲/۱۹۸.
۲. سمعانی، الانساب، ۱۲۹/۲؛ ابن کثیر، ۱۲/۱۹۸.
۳. سمعانی، التحبیر فی المعجم الکبیر، ۹۱/۱؛ یاقوت، ۵، ۱۱۴.
۴. سمعانی، الانساب، ۲/۳۴۳.
۵. همو، التحبیر فی المعجم الکبیر، ۱/۵۹۳.
۶. یاقوت، ۱/۱۱۲.
۷. سمعانی، الانساب، ۳/۵۲۲؛ عبدالقادر فارسی، ۱۱۲.
۸. سبکی، ۱۷۵/۵ و ۱۶۹ و ۴/۳۱۴؛ ذهبی، ۱۸/۴۶۹-۴۶۸.
۹. سمعانی، الانساب، ۱/۲۴۸.
۱۰. ابن خلکان، ۴/۲۷۲؛ مترز، ۲۱۰.
۱۱. جرفاذقانی، ۴۰۳.
۱۲. مؤید ثابتی، ۲۴۶.
۱۳. صفا، «آموزشگاههای ایران اسلامی»، ۳۹.
۱۴. عبدالغافر بن ابی الوفاء ۱/۱۹۲.
۱۵. صفا، مدرسه ایرانشهر، ۷۱۸.
۱۶. عبدالغافر فارسی، ۶۴-۶۳ و مؤید ثابتی، ۲۳۲.
۱۷. ذهبی، ۱۷/۲۵۷-۲۵۶ و عبدالقادر فارسی، ۱۰۵.
۱۸. سبکی، همان، ۴/۲۵۶ و ذهبی، ۱۷/۳۵۴-۳۵۳.
۱۹. عبدالقادر فارسی، ۵۲۸.
۲۰. همو، همان، ۱۱۲.
۲۱. ابن فندق، ۱۰۱ و عبدالقادر فارسی، ۱۰۷، ۱۳۳ و ذهبی، ۱۸/۴۴۲.
۲۲. عبدالقادر فارسی، ۶۳۶، ۲۶۸ و ۱۲۵.
۲۳. محمد بن منور، ۱۲۸.

اسماعیل بن علی استرآبادی^۱، مدرسه زین الاسلام^۲، مدرسه بیشکی^۳، مدرسه نظامیه نیشابور^۴،
مدرسه سیوری^۵، مدرسه صندلیه^۶، مدرسه سُوری^۷، مدرسه شَحامی^۸، مدرسه احمد ثعالبی^۹،
مدرسه سهل صُلوکی^{۱۰}، مدرسه حَداد^{۱۱}، مدرسه رَمجاریه (صاعد بن محمد چیری)^{۱۲}،
مدرسه ابوعلی علوی^{۱۳}، مدرسه مَنشکی^{۱۴}، مدرسه مُشطی^{۱۵}، مدرسه محمد بن اسحاق خطیبی
(واقع در چهارسوی کرمانیان)^{۱۶}، مدرسه محمد بن منصور (عمید خراسان)^{۱۷}، مدرسه ابوعلی
جاجرمی^{۱۸}، مدرسه سالم نیشابوری (واقع در باب جامع منیعی)^{۱۹}، مدرسه عمادیه^{۲۰}، مدرسه
سرهنگ^{۲۱}، مدرسه اسفهلار^{۲۲}، مدرسه خاتون مهد عراق^{۲۳}، مدرسه سلطانیه^{۲۴} مدرسه

۱. سبکی، ۲۹۳/۴.

۲. عبدالغافر فارسی، ۱۲۰.

۳. کسای، فرهنگ نهاد های آموزشی ایران، ۳۲۹.

۴. ابن خلکان، ۳۴۲/۲.

۵. عبدالغافر فارسی، ۵۲.

۶. همو، ۵۹۱؛ عبدالقادر بن ابی الوفاء، ۴۷/۱؛ ابن اثیر، ۴۲۴/۹.

۷. عبدالغافر فارسی، ۳۱۹ و ۱۳۲.

۸. همو، ۱۴۱ و ۶۶۸.

۹. همو ۶۹ و سمعانی، /التحییر، ۸۷/۱.

۱۰. عبدالغافر فارسی، ۶۱.

۱۱. همو، ۱۴۶.

۱۲. همو، ۴۰۶ و معروف، ۱۰۷.

۱۳. همو، ۸۵.

۱۴. همو، ۸۴-۸۳.

۱۵. عبدالغافر فارسی، ۱۱۷ و ۶۳.

۱۶. سبکی، ۸۶/۵.

۱۷. ابن الجوزی، ۱۲۹/۹ - ۱۲۸؛ ابن کثیر، ۱۹۸/۱۲.

۱۸. عبدالغافر فارسی، ۱۹۵ و ۸۶.

۱۹. همو، ۲۴۰.

۲۰. همو، ۱۹۸-۱۹۷.

۲۱. سبکی، ۲۳۲/۷.

۲۲. ابن فندق، ۲۶۵.

۲۳. همو، ۲۰.

۲۴. عبدالقادر بن ابی الوفاء، ۱۰۶/۱.

صاعدی^۱، مدرسه شرفیه^۲، مدرسه ابی نصر^۳، مدرسه ابواسحاق بسطامی^۴، مدرسه میان دهیه^۵، مدرسه یوسف بن جعفر نیشابوری (واقع در جوار مسجد رجا)^۶، مدرسه ابو منصور حمشادی، مدرسه ابوالحسن قطن، مدرسه ناصح الدوله، مدرسه فریابادی، مدرسه مطوعی، مدرسه عبادی، مدرسه صوفیه، مدرسه زعفرانی، مدرسه ابوسعید بسطامی^۷.
هرات: مدرسه فخرالدین محمد بن عمر رازی^۸، مدرسه نظامیه هرات^۹.

پانزده مدرسه ناشناخته

از مجموع ۱۱۹ مدرسه فوق‌الذکر فقط نام و نشان ۱۰۴ مدرسه در تحقیقاتی که نگارنده بدانها دسترسی داشته، آمده است. این تحقیقات که به اجمال یا تفصیل به تاریخ مدارس در ایران و اسلام پرداخته‌اند عبارتند از: *تاریخ مدارس ایران* (تألیف حسین سلطان‌زاده)، *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران* (تألیف نور الله کسای)، *علماء النظامیات و مدارس المشرق الاسلامی* (تألیف ناجی معروف)، *تاریخ آموزش در اسلام* (تألیف احمد شلبی)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی* (تألیف عبدالرحیم غنیمه)، *نهاد آموزش اسلامی* (تألیف منیرالدین احمد)، *مقدمه شفیع کدکنی بر اسرار التوحید*، «اشراف نیشابور» (تألیف ریچارد بولیت).

در این مقاله ۱۵ مدرسه دیگر که در تحقیقات نام برده ذکر از آنها به میان نیامده و حاصل تتبع در منابع و مآخذ دیگر است، به شرح زیر در حدّ اطلاعات موجود معرفی می‌شود:

بلخ - مدرسه خلیفه:

یکی از مدارس بلخ که قبل از هجوم مغولان ساخته شده، مدرسه‌ای است که به نام خلیل بن

۱. جرفاذقانی، ۲۶۰.

۲. معروف، ۱۰۴.

۳. سمعانی، التحبیر، ۱/۴۶۶؛ الانساب، ۶/۱۲۵-۱۲۴.

۴. حاکم نیشابوری، ۱۳۴.

۵. سمعانی، الانساب، ۵/۱۷۸.

۶. ابن فندق، ۱۰۴.

7. Bulliet, Richard, W, P 249-55.

۸. مقریزی، ۳۷؛ ابن کثیر، ۳۰/۱۳-۲۹.

۹. سبکی، ۱۹۰/۴.

احمد بن اسماعیل شجری نام‌گذاری شده بود. او پنجاه و هشتمین شیخ بلخ بود که در سال ۴۸۱ ق در گذشت. بر پایه اسناد و مدارک بعد از درگذشت شیخ، بزرگان شهر از حاکم غزنین^۱ خواستند مدرسه‌ای را به نام وی بخوانند. تقاضای آنها پذیرفته و این مدرسه به نام مدرسه خلیفه معروف شد.^۲

بیهق (سبزوار) - مدرسه خواجه امیرک (حسین بیهقی):

از جمله مدارس بیهق مدرسه‌ای است که ابوالحسن احمد بن محمد بیهقی ملقب به امیرک (۴۴۸ ق) بنا کرده بود. او همراه با برادرش ابونصر در بیهق آثار بسیاری بنا کردند. ابن فندق می‌گوید: «و این سرای که امروز اجل شهید حسین بیهقی مدرسه ساخته است، خواجه امیرک بنا کرده است و سرای وی بوده است»^۳ همو اشاره کرده است که در بیهق مدرسه‌ای منسوب به خواجه امیرک نزلابادی بود که امام احمد بن علی بیهقی خسروجردی معروف به ابن فطیمه به فرمان خواجه نظام الملک از خسروجرد به بیهق رفت و در آنجا ساکن شد.^۴

سمرقند - مدرسه سگه حائط حیّان:

سمعانی در شرح حال ابویعقوب بن بختیار بن محمد ساغرچی از آن یاد کرده است. او در سگه صالح در رأس قنطره غاتفر سمرقند ساکن بود و در مدرسه سگه حائط حیّان تدریس می‌کرد. وی در سال ۵۰۲ ق درگذشت و در مقبره رأس قنطره غاتفر در سمرقند دفن شد.^۵

غزنین

مدرسه شهاب الدین:

ابن اثیر در شرح حال شهاب‌الدین حاکم غزنه به این مدرسه اشاره کرده است. او در این مورد

۱. ظهیرالدوله ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی (۴۵۱-۴۹۲) که بلخ را نیز زیر فرمان داشته است.

(مستوفی، ۴۰۰)

۲. مختارف، ۵۳.

۳. ابن فندق، ۱۲۰.

۴. ابن فندق، ۲۰۷.

۵. سمعانی، ۱۹۹ / ۳.

می‌نویسد که وی را پس از مرگش در مدرسه‌ای که در آنجا بنا کرده بود، دفن کردند.^۱

مدرسه غیاث‌الدین غوری:

ابن کثیر در *البدایة و النهایة* از مدرسه بسیار بزرگی که ملک غیاث‌الدین غوری برادر شهاب‌الدین برای شافعیه بنا کرد، یاد کرده است. او فردی شجاع و نیکو سیرت بود که در سال ۵۹۹ ق در گذشت.^۲

مروالروود - مدرسه مرست:

سبکی در *طبقات الشافعیة* از مدرسه‌ای با این نام در «پنج‌ده» مروالروود یاد کرده است که در آنجا محدثان املاء حدیث می‌کرده‌اند.^۳

مرو - مدرسه شافعیه:

از این مدرسه در شرح احوال امام ابوالمظفر منصور بن محمد سمعانی تمیمی مروزی حنفی شافعی یاد شده است. او در فقه ابوحنیفه استاد و صاحب نظر بود، اما پس از سی سال در ۴۶۸ ق در حضور ائمه حنفی و شافعی به مذهب شافعی گروید. این امر موجب اختلاف میان اهالی مرو و تشویش مردم و تعطیل مسجد جامع شد و شافعیان نماز جمعه را ترک کردند، تا اینکه ابوالمظفر به طوس و از آنجا به نیشابور رفت. وی در آنجا مورد استقبال شافعیان قرار گرفت و در مدرسه شافعیه نیشابور به تدریس پرداخت، سپس به مرو بازگشت و در مدرسه اصحاب شافعی به موعظه پرداخت و کارش بالا گرفت. خواجه نظام الملک او را بر افرانش برتری داد. تمام تصانیف او در مذهب شافعی است و در مذهب ابوحنیفه چیزی نوشته است.^۴

نیشابور

مدرسه ابوالحسن حنّانی نیشابوری:

۱. ابن اثیر، ۱/ ۳۰۵.

۲. ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ۴۲/۱۳.

۳. سبکی، ۳/ ۲۰۴.

۴. سبکی، ۲/ ۲۷۳ و ۵/ ۳۴۴.

این مدرسه را در محله نوکوی نیشابور برای ابوالحسن حنّانی نیشابوری (۴۱۶د ق) ساختند و او را پس از وفات در همین مدرسه به خاک سپردند.^۱

مدرسه شَطُّ الوادی:

این مدرسه را سلطان محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱ ق) برای مجلس درس خواجه ابوبکر کرامی محمد بن اسحاق مَحْمَشاد بنا کرد. سلطان محمود بنای رباط چاهه، واقع در راه سرخس را نیز به او واگذار کرد.^۲

مدرسه بَشْتِیَان:

ابوبکر بَشْتِی احمد بن محمد از بزرگان اصحاب شافعی و از مدرّسین نیشابور بود. او مدرسه‌ای برای اهل علم در نزدیکی خانه خود در محله مسیب بنا کرد و تمام اموال خود را بر آن وقف نمود که به اوقاف مدرسه بَشْتِیَان معروف شد. وی در سال ۴۲۹ ق در نیشابور وفات کرد. از این مدرسه گاه با نام مدرسه صیفی نیز یاد شده است.^۳

مدرسه جوینی:

این مدرسه به ابن محمد جوینی منسوب است. در *منتخب‌السیّاقی* در شرح حال ابوالحسن مدینی از این مدرسه چنین یاد شده است: علی بن احمد بن محمد بن احمد بن عبدالله بن اسماعیل بن عباس بن ابوطیب اخرم صندلی مدینی، ابوالحسن مؤذن امام زاهد و جلیل و فاضل بود، او از شاگردان ابومحمد جوینی بود و در مدرسه‌ای داخل مسجدی که به نام جوینی معروف بود سکونت داشت و چند سالی ملازم وی بود و بسیار کم از آنجا خارج می‌شد. از متقدمین کسانی مانند ابوزکریّا مزکی و ابوعبدالرحمان سلمی و قاضی ابوبکر بن ابوسعید حیری و صیّرفی و ابوالقاسم سرّاج و ابوصادق و گروهی از اصحاب اصمّ روایت کرده است. او در سال ۴۰۵ ق به دنیا آمد و در سال ۴۹۴ ق وفات کرد.^۴

۱. مؤید ثابتی، ۲۴۶.

۲. همو، ۲۳۴.

۳. همو، ۳۱۹.

۴. عبدالغافر فارسی، ۵۸۶.

مدرسه طحیری:

اندراپی در گواهی سماع صحیفه سجّادیه که بخشی از آن را خود کتابت کرده و مالک آن بوده است و آن را وقف مدرسه استادش ابو محمد حامد بن احمد بن جعفر طحیری کرده، از این مدرسه نام برده است. به گواهی وقف‌نامه، این مدرسه در باب عزّره نیشابور واقع شده بود. این وقف‌نامه به خط عمر بن محمد حامدی (۵۱۶د ق) است که تولیت کتاب را عهده‌دار بوده و شاید عهده‌دار تولیت مدرسه نیز بوده است.^۱ به گفته عبدالغافر فارسی، حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام ابومحمد طحیری از پیروان محمد بن کرام و فردی عالم و زاهد و از هم‌نشینان مهدی بن محمد، از بزرگان این مذهب بوده است.^۲

مدرسه ناصحیه:

ابن خلکان در شرح حال ابو عبدالله فراوی (۴۴۱ یا ۴۴۲-۵۳۰ق) از این مدرسه نام برده است. وی می‌گوید: «ابو عبدالله محمد بن فضل بن احمد بن محمد بن احمد بن ابی العباس صاعدی فراوی نیشابوری ملقب به کمال‌الدین فقیه در مجلس درس امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقیه شافعی مذهب و صاحب نه‌ایه‌المطلب حاضر می‌شد و تعلیقات اصول او را نوشت. او در میان صوفیان بزرگ شد و فقیه و مُناظر بود. برای مسافرانی که مهمان او می‌شدند با وجود کبر سن، خود غذا می‌برد و به خدمت آنان قیام می‌کرد. به قصد حج به مکه رفت و در بغداد و دیگر بلادی که می‌رسید، برای او مجلس وعظ برپا می‌شد و مورد توجه قرار می‌گرفت، در مکه و مدینه تدریس کرد و به نیشابور بازگشت و در مدرسه ناصحیه به تدریس پرداخت و امامت مسجد مطرز را به عهده گرفت. او صحیح مسلم را از عبدالغافر فارسی و صحیح بخاری را از سعید بن ابی سعید شنید و از شیخ ابواسحاق شیرازی و حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی و امام الحرمین و دیگران سماع حدیث کرد.^۳

مدرسه ناصریه:

ابن خلکان از این مدرسه در شرح حال ابو عبدالله محمد بن فضل صاعدی فراوی (۵۳۰د ق) نام

۱. رحمتی، ۶۶.

۲. عبدالغافر فارسی، ۳۲۳.

۳. ابن خلکان، ۴/۲۹۱.

برده است. او از شاگردان امام‌الحرمین جوینی بود که پس از شاگردی او از سرآمدان فقه، حدیث، مناظره، فتوا و وعظ شد و پس از سفرهای فراوان که با تشرّف او به حج آغاز شد، سرانجام به نیشابور بازگشت و در مدرسه ناصریّه به تدریس پرداخت.^۱

مدرسه اینانج:

در *لباب‌اللباب* از حضور نظام‌الدین جامی در این مدرسه و جایگاه علمی این مرکز آموزشی یاد شده است.^۲

مقایسه تعداد مدارس شهرهای خراسان

یکی از مسائل مهمّ در مورد مدارس این دوره (قرن چهارم تا ششم هجری) افزایش قابل توجه تعداد آنهاست. پس از انتقال قسمت عمده‌ای از آموزش عالی اسلامی به مدارس در قرن پنجم هجری شاهد رشد روزافزون این مدارس در این منطقه می‌باشیم، چنان که تعداد مدارس خراسان (که براساس منابع موجود به نام و نشانی برخی از آنها دست یافته‌ایم) از ۱۶ مدرسه در قرن چهارم، به ۵۳ مدرسه در قرن پنجم افزایش یافته است. این دوران که همزمان با پیدایش مدارس دولتی نظامیه است، اوج شکوفایی کمی مدارس در خراسان است. با ورود به قرن ششم تعداد مدارس که نامی از آنها در مآخذ باقی مانده، به ۲۸ مدرسه کاهش یافته است. سیر صعودی تعداد مدارس در قرن پنجم هجری و سیر نزولی آن در قرون بعدی رابطه مثبت میان جهت‌گیریهای علمی، مذهبی، و سیاسی خواجه نظام‌الملک وزیر فرهنگ دوست سلجوقیان با افزایش شمار مدارس را بیان می‌کند. جداول و نمودارهای ارائه شده از تعداد مدارس خراسان در فاصله قرون چهارم تا هفتم هجری، با تفکیک شهرها و در قرون گوناگون، آثار و نتایج سیاست‌های فرهنگی را با وضوح بیشتر آشکار می‌سازد.

۱. همو، ۳/ ۴۱۸.

۲. مؤید ثابتی، ۲۳۳.

تعداد مدارس	زمان
۱۶	قرن چهارم
۵۳	قرن پنجم
۲۸	قرن ششم
۹۷	جمع

جدول شماره ۱ - تعداد مدارس خراسان

باید یادآور شد که آمار قید شده در این جدول مربوط به مدرسی است که از تاریخ احتمالی تأسیس آنها با خبریم. شمار مدرسی که تاریخ تأسیس آنها مشخص نیست، از آمار مندرج در جدول شماره ۲، کم شده است. با نگاهی به جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ روشن می‌شود که قرن پنجم با تعداد ۵۳ مدرسه از لحاظ کمی بالاترین مرتبه را نسبت به قرون دیگر دارد و پس از آن به ترتیب قرن ششم با ۲۸ و قرن چهارم با ۱۶ مدرسه، از نظر تعداد مدارس، در رتبه‌های پایین‌تر قرار می‌گیرد. تفاوت تعداد مدارس در قرون مورد بحث تابع وضعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی خراسان می‌باشد. آغاز تأسیس مدارس با رقابت‌های مذهبی - سیاسی پیروان مذاهب مختلف در خراسان هم‌زمان بوده است.^۱ تبلیغات فارغ‌التحصیلان الازهر به طرفداری از شیعیان اسماعیلی^۲ و سخت‌گیریهای حنفیان برضد مذاهب دیگر^۳ منجر به تأسیس مدارس کرامی و شافعی^۴ در خراسان گردید، هم‌چنین قدرت گرفتن شافعیان، در دوران وزارت خواجه نظام‌الملک در قرن پنجم^۵، و تأسیس مدارس نظامیه و اختصاص آن به شافعیان، به رقابت‌های مذهبی و در نتیجه افزایش مدارس دامن زد. نگاهی به جدول ۱ و نمودار شماره ۱ به روشنی این مسأله را نشان می‌دهد. قرن پنجم هجری اوج تأسیس مدارس در خراسان است و پس از آن با فروکش کردن این تعصبات و رقابتها در روزگار جانشینان خواجه نظام‌الملک از تعداد مدارس نیز کاسته شده است.

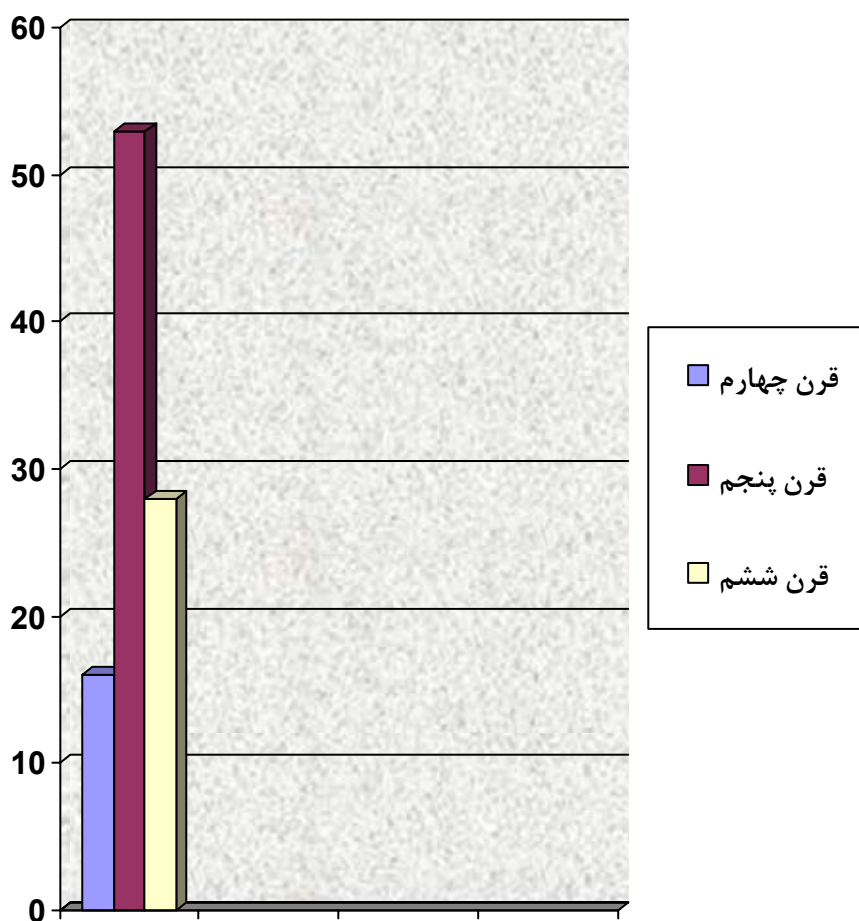
۱. زرّین‌کوب، ۲۹۱.

۲. جوینی، ۲۰۴.

۳. کسایی، مدارس نظامیه، ۱۷.

۴. باسورث، ۱۹۱-۱۸۸؛ غنمیه، ۱۱۳.

۵. امین، ۴۶/۲.

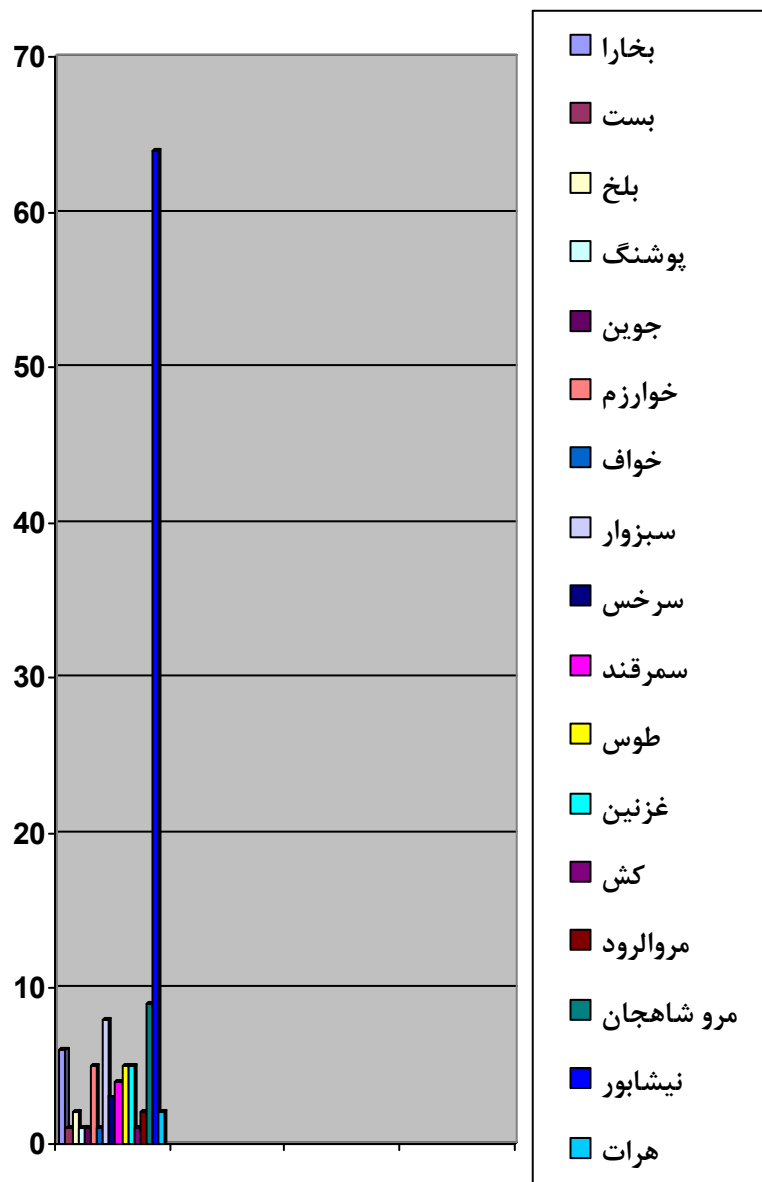


نمودار شماره ۱- تعداد مدارس خراسان به تفکیک قرون

نام شهر	تعداد مدرسه	نام شهر	تعداد مدرسه
بخارا	۵	سمرقند	۴
بُست	۱	طوس	۵
بلخ	۲	غزنین	۵
پوشنگ	۱	کش	۱
جوین	۱	مروالرود	۲
خوارزم	۵	مروشاهجان	۹
خواف	۱	نیشابور	۶۴
سبزوار	۸	هرات	۲
سرخس	۳	جمع	۱۱۹

جدول شماره ۲- تعداد مدارس شهرهای خراسان (قرن چهارم تا ششم هجری)

با ملاحظه جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲ به این نتیجه می‌رسیم که نیشابور با ۶۴ مدرسه بالاترین تعداد مدارس را در فاصله قرون چهارم تا هفتم هجری داشته است و پس از آن مرو شاهجان با ۹ مدرسه، سبزوار (بیهق) با هشت مدرسه و شهرهای خوارزم و طوس هر کدام با پنج مدرسه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. هم‌چنین از جدول فوق برمی‌آید که نیشابور، مهد نخستین مدارس خراسان به تدریج مرکزیت علمی و مذهبی یافته است. مرکزیت سیاسی این شهر در دوران طاهریان و انتقال دانشمندان بزرگ در علوم گوناگون از بغداد به خراسان و سکونت و تدریس آنان، به ویژه شافعیان و کرامیان در نیشابور، زمینه‌های این شکوفایی را فراهم می‌کرد. پس از نیشابور مرو، مرکز قبلی خراسان قرار دارد که هر چند موقعیت دوران مأمون را از دست داده بود، ولی همچنان نسبت به دیگر شهرها مدارس بیشتری داشت. مقایسه تعداد مدارس در این شهرها نشان می‌دهد که موقعیت سیاسی و تمرکز علمای دینی در آنها در کثرت مدارس دخیل بوده است.

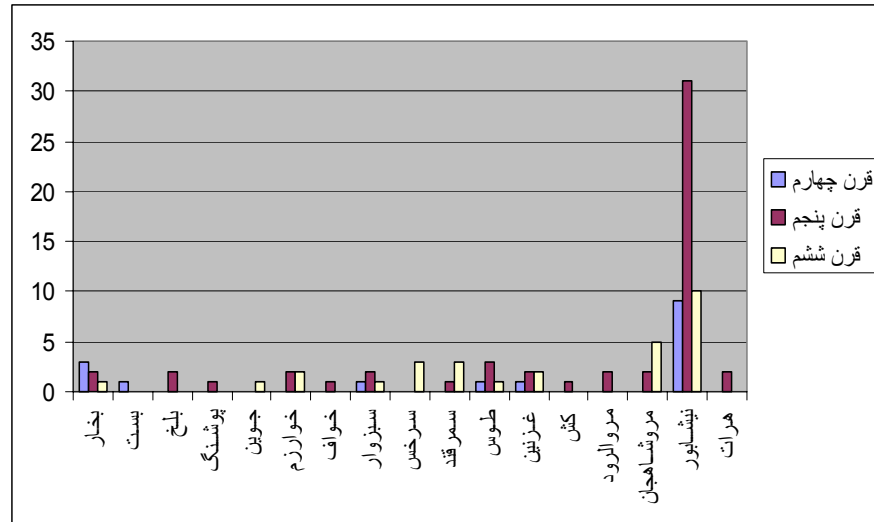


نمودار شماره ۲ - تعداد مدارس شهرهای خراسان (قرن چهارم تا ششم هجری)

نام شهرها	قرن چهارم	قرن پنجم	قرن ششم
بخارا	۳	۲	۱
بُست	۱	۰	۰
بلخ	۰	۲	۰
پوشنگ	۰	۱	۰
جوین	۰	۰	۱
خوارزم	۰	۲	۲
خواف	۰	۱	۰
سبزوار	۱	۲	۱
سرخس	۰	۰	۳
سمرقند	۰	۱	۳
طوس	۱	۳	۱
غزنین	۱	۲	۲
کش	۰	۱	۰
مروالروود	۰	۲	۰
مرو شاهجان	۰	۲	۵
نیشابور	۹	۳۱	۱۰
هرات	۰	۲	۰

جدول شماره ۳ - تعداد مدارس شهرهای خراسان به تفکیک قرون

در جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۴، پراکندگی مدارس از نظر تعداد در قرون مختلف در شهرهای خراسان ملاحظه می‌شود. در قرن پنجم همچنان بیشترین مدارس در شهر نیشابور ۳۱- مدرسه - وجود دارد و پس از آن اکثر شهرها در این قرن تنها ۲ مدرسه دارند. در قرن ششم نیز نیشابور با ۱۰ مدرسه همچنان دارای مدارس بیشتری است، در حالی که مرو با ۵ مدرسه در رتبه دوم و سمرقند با ۳ مدرسه در رتبه بعدی قرار دارند. به نظر می‌رسد تأسیس نخستین مدارس خراسان در نیشابور شالوده محکمی برای ادامه برتری علمی این شهر در قرون بعدی ایجاد کرده بوده است.



نمودار شماره ۳ - تعداد مدارس شهرهای خراسان به تفکیک قرون

کتابشناسی

- ابن اثیر، محمد بن محمد بن عبدالواحد شیبانی، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۹/۱۴۰۸.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد اللواتی ابو عبدالله، *رحلة ابن بطوطة (تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار)*، به کوشش علی المنتصر الکتانی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۵.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم (حتى ۲۵۷هـ)*، به کوشش محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن خلکان، ابی العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، به کوشش احسان عباس، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۶۸.
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، کتاب فروشی فروغی، چاپ دوم، ۱۳۶۱.
- ابن کثیر، الحافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، *طبقات الفقهاء الشافعیین*، به کوشش احمد عمر هاشم و محمد زنیب، بی جا، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.

- همو، *البدایة والنهایة*، به کوشش علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- مختاراف احرار، *تاریخ عمومی شهر بلخ*، به کوشش علی رضا خداقلی پور، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- امین، احمد، *ضحی الاسلام*، قاهره، بی تا، ۱۹۵۶.
- باسورث، ادموند کلیفورد، *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- جرفاذقانی، ترجمه تاریخ یمنی، به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۷.
- جوینی، عطاملک علاء الدین بن بهاء الدین، *تاریخ جهانگشای*، بی جا، انتشارات ارغوان، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد حسین خلیفه نیشابوری، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- حسن دوست، مریم، «*علوم و آموزش و پرورش در طوس تا استیلای مغول*»، رساله دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۸۵-۱۳۸۴.
- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی ابو عبدالله، *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش شعیب الارناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
- رحمتی، محمدرضا، «*پژوهشی درباره کرامیان*»، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸ ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ مردم ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- سبکی، ابی نصر عبد الوهاب بن علی بن عبد الکافی السبکی، *طبقات الشافعیة الکبری*، به کوشش دکتر عبد الفتاح محمد الحلو و دکتر محمود محمد الطفاهی، جیزه، هجر للطباعة و النشر و التوزیع و الاعلان، ۱۹۹۲ م.
- سلطانزاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران، از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، تهران، آگاه، ۱۳۶۴ ش.
- سمعانی، ابی سعد، عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی، *التحییر فی المعجم الکبیر*، به کوشش منیره ناجی سالم، بی جا، المكتبة الاسلامیة، بی تا.
- همو، *الانساب*، به کوشش عبدالله البارودی، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، *طبقات المفسرین*، به کوشش علی محمد عمر، القاهرة، مكتبة وهبة، ۱۳۹۶ م.
- صفا، ذبیح الله، «*آموزشگاههای ایران اسلامی*»، *آموزش و پرورش*، سال یازدهم، شماره ۵ و ۶، مرداد

و شهریور ۱۳۲۰ ش.

همو، «مدرسه»، ایرانشهر، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲ ش.

عبدالقادر بن ابی الوفاء محمد بن ابی الوفاء القرشی، *الجواهر المضية فی طبقات الحنفية*، کراچی، دار

النشر میر محمد کتبخانه، بی تا.

عبدالغافر بن اسماعیل الفارسی، *تاریخ نیشابور، المنتخب من السیاق*، قم، جماعة المدرسين فی

الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ۱۳۶۲ ش.

غنیمه عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی*، ترجمه نور الله کسای، تهران، دانشگاه تهران،

۱۳۷۲ ش.

کسای، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیر علمی و اجتماعی آن*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.

همو، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.

گدار، آندره، *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه ملی، بی تا.

متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر،

۱۳۶۴ ش.

محمد بن منور، *اسرارالتوحید*، به کوشش دکتر ذبیح الله صفا، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۸ ش.

مقریزی، تقی الدین، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بی جا، دارالکتب

العلمية، ۱۴۱۸ ق.

مؤید ثابتي، سید علی، *اسناد و نامه‌های تاریخی از اوائل دوره های اسلامی تا اواخر عهد شاه*

اسماعیل صفوی، تهران، طهوری، ۱۳۴۶ ش.

نرشخی، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر قباوی، تلخیص محمد بن زفر، به کوشش مدرس رضوی، تهران،

توس، ۱۳۶۳ ش.

یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۸ م.

Bulliet, Richard, W., *The Patricians of Nishapur, Study in Medieval Islamic Socail History*, Harward University Press, 1972.